



بایسته‌های «ایرادِ اتهام» در حقوقِ انگلستان و امکان‌سنجی تأسیسِ آن در حقوقِ ایران عدنان عمرانی^۱

۳۳

دوره ۱۳، شماره ۳، پیاپی ۳۴

پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۹

صص: ۷۹-۱۰۸

شاپا چاپی: ۲۳۲۲-۵۶۳۷

رتبه علمی

ب

پژوهشی، صنعت کوهن، در:
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225637.1403.13.3.4.9

چکیده

مرحله ایرادِ اتهام به عنوان سرآغاز یا به تعبیری دروازه عدالت کیفری، در حقوق انگلستان توانسته با بررسی ابتدایی پرونده قبل از اذن تعقیب توسط دادستان، اقدام مؤثری در عدم ورود پرونده‌های فاقد دلایل کافی و برخلاف مصلحت عمومی بردارد تا صرفاً پرونده‌هایی که میزان محکومیت در آنها بالا تشخیص داده می‌شود؛ مجال ورود به فرایند کیفری با هدف ارتقاء سیستم عدالت کیفری و ایجاد یک دادرسی استاندارد پیدا نماید؛ منتها در حقوق ایران به دلیل تفتیشی بودن نظام دادرسی در مرحله دادرسی، مرحله ایرادِ اتهام تاکنون مورد توجه قرار نگرفته که در حال حاضر با توجه به مزیت‌های پیش‌گفته در حقوق انگلستان، تأسیس و پیاده‌سازی مرحله‌ای در نظام حقوقی ایران تحت عنوان «مرحله ایرادِ اتهام» همسو با مبانی حقوق بشر اسلامی بعید به نظر نمی‌رسد. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی تدوین یافته بعد از بررسی موضوع به این نتیجه می‌رسد که بایسته‌های ایرادِ اتهام در حقوق انگلستان شامل: دروازه عدالت کیفری؛ تحکیم اصل برائت؛ بالابردن ضریب رسیدگی مُصفاانه؛ کشف حقیقت در وادی ایرادِ اتهام؛ تعدیل پارادایم اطلاق‌گرایانه حقوق کیفری و فرصت‌دهی برای عدم ورود به پروسه کیفری می‌باشد. همچنین جهت تأسیس مرحله ایرادِ اتهام در حقوق ایران، ضمن گردش نظام دادرسی به سمتِ اتهامی؛ اهتمام به بایسته‌های مرحله مذکور لازم و ضروری است.

کلیدواژه‌ها: بایسته‌های ایرادِ اتهام، حقوق بشر اسلامی، عدالت کیفری، کشف حقیقت، مصلحت عمومی.

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دانشگاه تهران. تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

«ایرادِ اتهام»^۱ به معنای وارد نمودن برچسب مجرمانه و کلید ورودی به فرایند کیفری است و به عبارتی در بعضی از تعابیر از آن به عنوان «دروازه عدالت کیفری»^۲ یاد می‌شود (pavlich: 46: 2018). تشبیه مرحله ایرادِ اتهام، به دروازه عدالت کیفری متناسب بوده و انگیزه پرداختن به موضوع پژوهش را ایجاد می‌نماید بنابراین هنگامی که سخن از دروازه عدالت کیفری به میان می‌آید لازم تا در راستای نیل به تکامل، پیاده‌سازی و تأسیس مرحله ایرادِ اتهام در سایر نظام‌ها، ضرورت وجودی ایرادِ اتهام در حقوق انگلستان شناسایی گردد. اهمیت پرداختن به این موضوع این است که؛ شرط ورود به پروسه کیفری دروازه آن است و بعضاً اگر ایرادِ اتهام مبتنی بر ساز و کارهای علمی، نظام‌مند و در نهایت شناخت ضرورت‌های مرحله مذکور نباشد، نه تنها اهداف یک دادرسی کیفری استاندارد، برآورده نشده بلکه زمینه‌های ناعدالتی، ورود پرونده‌های بی‌رویه، هزینه تراشی، سلب توان نیروی انسانی و در نهایت فلج شدن سیستم عدالت کیفری، فراهم خواهد شد. از لحاظ بررسی تطبیقی، باید حقوق انگلستان را در توجه به این مرحله دادرسی کیفری، پیشگام دانست. توجه به مرحله ایرادِ اتهام به عنوان اولین قدم از پروسه کیفری در حقوق انگلستان باعث شده که بسیاری از پرونده‌های کم اهمیت و فاقد دلایل کافی، وارد دستگاه عدالت کیفری نشود و این موضوع در وهله اول برای متهم و سپس برای دستگاه عدالت کیفری سودمند بوده چرا که از ورود پرونده‌های زائد و در نهایت تورم کیفری جلوگیری می‌نماید. (Brown, 1998:7) این در حالی است که مرحله ایرادِ اتهام تا حد زیادی به دلیل تفتیشی بودن نظام کیفری ایران، در مرحله دادرسی جایگاهی ندارد و دادستان با دریافت گزارش جرم و یا رأساً، براساس اصل الزامی بدون تعقیب کیفری، مکلف به آغاز تعقیب است بنابراین با مزیت‌های یاد شده از مرحله مذکور در حقوق انگلستان، امکان‌سنجی تأسیس آن در حقوق ایران بعید به نظر نمی‌رسد. در پژوهش حاضر نویسنده ضمن ابهام زدایی از پاره از موضوعات، در پی این است تا پاسخ دهد که بایسته‌های مرحله ایرادِ اتهام در حقوق انگلستان چیست؟ آیا امکان تأسیس مرحله ایرادِ اتهام در حقوق ایران وجود دارد؟ برای یافتن پاسخ، لازم است تا پژوهش از یک

1

Accusation.

2

The gate of criminal justice.

چارچوب نظری نظام‌مند پیروی نماید از این رو بعد از پرداختن به مفهوم اصلی بحث، در ذیل مبحث دوم پژوهش، تحت عنوان؛ بایسته‌های ایرادِ اتهام، موضوع در شش گفتار جداگانه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- مفهوم ایرادِ اتهام

از لحاظ لغوی، اجزای تعریف متشکل از «ایراد» و «اتهام» است. ایراد به معنای وارد ساختن، فرود آوردن، حاضر آوردن، بیان کردن، چیزی بر کسی وارد کردن، به معنی بهانه و خرده گیری است ۱- (مصدر) وارد کردن فرود آوردن ۲- در آوردن داخل کردن ۳- خرده گرفتن بهانه گرفتن اعتراض کردن ۴- (اسم) خرده‌گیری بهانه‌گیری. جمع: ایرادات. یا ایراد بنی اسرائیلی. ایراد بیجا اعتراض بیهوده. (معین، ۱۳۸۷: ۱۲۱) معنی می‌شود.

اتهام که مترادف با واژگانی همچون: افترا، بهتان، تهمت، فریه از لحاظ لغوی به معنای اتهام. [۱] (ع مص) بتهامه درآمدن یا فروکش شدن در آن. (متهی الارب). || ناگوار شدن. || ناموافق شمردن هوای شهری: اتهم البلد؛ ناگوار شمرد آنرا. (متهی الارب). || رفتن بشتاب و بازایستادن. || بگرمای سخت رفتن. اتهام. [ات ت] (ع مص) تهمت نهادن بر کسی. ازنان. افتراء. کسی را بچیزی تهمت کردن. (تاج المصادر). || تهمت پذیرفتن. بدنام شدن. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۱) می‌باشد.

از لحاظ اصطلاحی «ایرادِ اتهام»^۱ معادل انگلیسی «Accusation» از جمله اصطلاحات نوظهور در ادبیات حقوق کیفری است که در سیستم کیفری اکثر کشورها به خصوص کشور انگلستان به عنوان مرحله‌ای مهم از فرایند کیفری، کمتر بدان پرداخته شده است. جرج پاولیچ^۲ به عنوان اولین پژوهشگر در این حوزه در تعریف ایرادِ اتهام یا اتهام زدن در کتاب معروف خود تحت عنوان «اتهام کیفری»^۳ اذعان می‌دارد: «ایرادِ اتهام حالتی است که فرد با نوعی عنوان کیفری داخل در پروسه کیفری شده و تعقیب با آن آغاز می‌شود» (Pavlich, 2018: 46). در این مفهوم نوظهور از ایرادِ اتهام به عنوان دروازه عدالت کیفری نام برده شده است (Ibid:47). در

1 Accusation.
2 George Pavlich.
3 Criminal charge.

واقع ایراد اتهام حالتی است که در آن پلیس و یا دادستان با توجه به اختیاراتی که قانون به آنها واگذار نموده است با بررسی نوع جرم و ادله موجود تصمیم می‌گیرند که برچسب اتهام را به متهم وارد کنند یا خیر. از این رو به طور اختصار و بر اساس نظر نویسنده مقاله پیش رو؛ ایراد اتهام وضعیتی است که دستگاه عدالت کیفری با توجه به دلایل اتهامی و نوع جرم تصمیم می‌گیرد که، پرونده کیفری را علیه شخصی آغاز نماید یا از آن صرف‌نظر نماید.

۲- پیشینه تحقیق

موضوع بایسته‌های ایراد اتهام در نظام‌های حقوقی مختلف، به‌ویژه در سیستم‌های حقوقی ایران و انگلستان، به‌طور خاص کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه این مقوله به‌طور مستقیم در تحقیقات قبلی بررسی نشده، برخی منابع مرتبط به آن پرداخته‌اند و به بررسی ابعاد مختلف مرحله ایراد اتهام در دادرسی‌های کیفری پرداخته‌اند. در اینجا به مهم‌ترین آثار و تحقیقات انجام‌شده در این زمینه پرداخته می‌شود:

کتاب «ایراد اتهام کیفری» اثر جرج پاولیچ (۲۰۱۸): پاولیچ در این کتاب به بررسی اهمیت و کارکردهای مرحله ایراد اتهام در فرآیند دادرسی کیفری پرداخته است. با این حال، در این اثر به‌طور خاص به بایسته‌های ایراد اتهام پرداخته نشده است. این اثر بیشتر بر روی اهمیت مرحله ایراد اتهام و تأثیر آن بر فرآیند تعقیب کیفری تمرکز دارد و مباحثی همچون چگونگی و ضرورت این مرحله در مسیر دادرسی کیفری را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کتاب «اصل اقتضا تعقیب کیفری در حقوق ایران و انگلستان» اثر مهدی طویلی (۱۴۰۲): طویلی در این کتاب به بررسی اصل الزامی بودن تعقیب کیفری و نحوه اجرای آن در حقوق ایران و انگلستان پرداخته است. در این کتاب، بحثی مختصر در خصوص مرحله ایراد اتهام آمده است، اما این اثر به‌طور تخصصی به بایسته‌های ایراد اتهام نمی‌پردازد. این کتاب بیشتر بر روی مفهوم و آثار تعقیب کیفری و فرآیند عدول از اصل الزامی بودن تعقیب تأکید دارد و به مباحث خاص مرحله ایراد اتهام از جمله بایسته‌ها نمی‌پردازد.

مقاله «شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی‌ژرمنی با نگاهی به حقوق ایران» اثر عدنان عمرانی‌فر و همکاران (۱۴۰۳): این مقاله به مقایسه نظام‌های حقوقی کامن‌لا و

رومی ژرمینی و تأثیر این تفاوت‌ها بر مرحله ایراد اتهام پرداخته است. نویسندگان نشان می‌دهند که در نظام رومی-ژرمینی، دادستان نقش زیادی در مرحله ایراد اتهام ندارد و این مرحله باید توسط مقامات قضائی پیگیری شود. در مقابل، در نظام کامن‌لا، دادستان ممکن است در برخی موارد از ایراد اتهام خودداری کند. هرچند این مقاله به بررسی تفاوت‌های سیستماتیک و فرآیندی ایراد اتهام پرداخته است، اما به‌طور مستقیم وارد مباحث بایسته‌های ایراد اتهام نشده و بیشتر به تشریح روندهای موجود در دادرسی‌های مختلف پرداخته است.

مقاله «تحلیل نسبت مصلحت‌سنجی تعقیب کیفری با نظم عمومی و امنیت اجتماعی» اثر مهدی شیداییان و مهدی طویلی (۱۴۰۰): در این مقاله، به مصلحت‌سنجی به عنوان معیاری برای آغاز تعقیب کیفری پرداخته شده است. ایراد اتهام تنها به عنوان یکی از مراحل آغاز تعقیب کیفری ذکر شده است، اما نویسندگان هیچ‌گونه تمرکز یا تشریحی در مورد این مرحله و بایسته‌های آن ارائه نداده‌اند. این مقاله بیشتر بر روی تحلیل مصلحت‌سنجی و نحوه تأثیر آن بر تصمیم‌گیری در مورد آغاز تعقیب کیفری تأکید دارد.

۳- بایسته‌های مرحله ایراد اتهام

در ذیل این مبحث، در شش گفتار جداگانه، بایسته‌های مرحله ایراد اتهام شناسایی و معرفی می‌گردد.

۳-۱- دروازه عدالت کیفری

انتخاب عنوان مذکور از چند جهت به عنوان یکی از بایسته‌های مرحله ایراد اتهام توجیه می‌گردد. اولین مورد از باب اهمیت بحث است. در واقع، نگارنده؛ فرایند کیفری را دالانی فرض نموده که ایراد اتهام دروازه ورودی آن محسوب می‌گردد. بنابراین بسیار مهم به نظر می‌رسد که نگهبان آن (منظور دادستان است) افراد را چگونه و با تکیه بر چه مبانی داخل در پروسه کیفری می‌نماید. در حقیقت در این مرحله دادستان که یک مقام قضائی محسوب می‌شود باید به طور دقیق ادله موجود در پرونده را مورد بررسی قرار دهد و یا هر اقدامی که در راستای کشف حقیقت لازم است انجام داده و سپس ملاحظه کند که آیا ادله و قرائن موجود در پرونده مجرمیت متهم را احراز می‌نماید یا خیر و بعد از آن، فرد را وارد دستگاه عدالت کیفری نماید. (Jasch).

The guilt of the accused.

(89: 2010) چرا که اگر دادستان در بادی امر، اشخاص را بدون توجه به مرحله ایرادِ اتهام، داخل در دستگاه عدالت کیفری نماید نه تنها وقت دادسرا به عنوان اولین نهاد، برای مبارزه با بزهکاری، صرف پرونده‌های بدون نتیجه می‌گردد؛ بلکه باعث می‌شود که دادسرا نتواند به دلیل ازدحام پرونده‌ها به جرائم مهم‌تر رسیدگی کند. از این جهت دروازه عدالت کیفری، مهم به نظر می‌رسد تا دادستان به عنوان نگهبان این دروازه، از ورود افرادی که در ابتدا اسناد مجرمیت آنها محرز نیست؛ خودداری نماید و افراد را درگیر پروسه ددرساز کیفری ننماید. **مورد دوم** تأمین اهداف دادرسی کیفری در پرتوی دروازه عدالت کیفری است. در واقع به بیان ساده‌تر از اهداف مهم آیین دادرسی کیفری وضع قواعد رسیدگی، ایرادِ اتهام به شکل صحیح، پیشگیری از اشتباهات قضایی^۱ و درنهایت تأمین آرامش خاطر شهروندان است. به این منظور توجه به چگونگی ورود فرد به فرایند رسیدگی کیفری و چگونگی جمع آوری ادله از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نقش مهمی در تأمین این هدف خواهد داشت. به عبارتی حوزه‌های تعقیب و تحقیق کیفری^۲ به گونه‌ای دروازه عدالت کیفری محسوب می‌شوند و حفظ حقوق اشخاص و جامعه و سعی در ایجاد توازن بین این دو حق در این مرحله از اهمیت بسیاری برخوردار است به ویژه آنکه به طور معمول در این مرحله، تعدد مقامات رسیدگی کننده به چشم می‌خورد و متهم یا مظنون با چندین نهاد مواجه می‌شود و علاوه بر این مراحل، برای جامعه نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا سنگ بنای پرونده کیفری در این مرحله پایه گذاری می‌گردد. (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۳۰) **آخرین موردی** که می‌توان از دروازه عدالت کیفری به عنوان اولین بایسته مرحله ایرادِ اتهام نام برد، درصد بالای حتمیت در پروسه کیفری است. با این توضیح که امروزه ملاحظه می‌گردد که دادگاه‌های کیفری در کشور ایران حجم بالایی از پرونده‌ها را با حکم برائت مختومه می‌نماید و بعضاً مشاهده می‌شود که علت اصلی احکام برائت، فقدان دلایل کافی برای احراز بزه و به عبارتی عدم تحقیقات کافی و وافی از سوی دادسرا است. در حالی که اگر همین موارد در مرحله دادسرا مورد بررسی قرار گیرند و سپس وارد دستگاه عدالت کیفری گردد؛ می‌تواند باعث خودداری از ورود حجم بالایی از پرونده‌های بدون نتیجه به دستگاه

^۱Judiciary mistakes.

^۲Criminal investigation.

عدالت کیفری و در نهایت جلوگیری از تورم پرونده‌ها شود. در کشور آمریکا دادستان پرونده‌هایی را به دادگاه ارسال می‌کند که درصد بالایی از «حتمیت در محکومیت»^۱ داراست. الگوی دادرسی کیفری آمریکا، فاقد بازپرس است و هر دو مرحله تعقیب و تحقیق در هم ادغام شده و دادستان هر دو وظیفه تعقیب و تحقیق را بر عهده دارد. از سوی دیگر دادستان، در مرحله ارسال پرونده به دادگاه، تنها در حد یک درخواست کننده است، زیرا این مقام در ایالت متحده فاقد شأن قضایی (در واقع منصب دادستانی در کشور آمریکا زیر مجموعه دولت است) و نمی‌تواند تصمیم‌گیری قضایی کند. از این رو موضوعاتی مانند تصمیم‌گیری برای بازداشت افراد و نیز نقض حریم خصوصی، در اختیار دادستان نبوده و مربوط به مقامات قضایی است. تصمیمات در خصوص آزادی و بازداشت متهم از سوی قاضی صلح یا بخش اتخاذ می‌شود. (عمرانی‌فر و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۵۰). همچنین مقام قضایی وظیفه اعتبارسنجی و ارزیابی ادله را از این جهت که آیا به صورت قانونی جمع‌آوری شده یا خیر بر عهده دارند. اقرار نیز باید نزد قاضی انجام شود تا دلیل محسوب شود با این حال صلاحیت تصمیم‌گیری برای مرحله ایراد اتهام با لحاظ ضوابط قانونی این امر در اختیار محض دادستان است بنابراین وی مکلف به تعقیب جرمی که تشخیص می‌دهد می‌باشد و یا می‌تواند به صلاحدید خود در مرحله ایراد اتهام از آغاز فرایند کیفری نسبت به بعضی از جرایم خودداری نماید. یکی از وجوه بارزی که در نظام حقوقی کشور آمریکا که شیوه اتهامی پیروی می‌کند دیده می‌شود این است که در جرایم مهم پیش از ارسال پرونده برای مرحله رسیدگی در دادگاه جلسه توافقی با حضور دادستان و متهم و وکیل او و با هدف تایید کیفرخواست تشکیل می‌شود. این جلسه به مرحله رسیدگی در دادگاه شباهت داشته و دارای ویژگی‌های این مرحله است و در واقع پرونده‌هایی به دادگاه ارسال می‌شود که حجم ادله موجود بالا بوده و در واقع درصد بالایی از حتمیت در محکومیت متهم را احراز می‌کند. (Phillips, 2002: 14)

نگارنده معتقد است که دروازه عدالت کیفری آنقدر مهم است که می‌تواند سرنوشت یک پرونده را از ابتدا مشخص کند. از این جهت، ایراد اتهام همانند یک پیرایش‌گر می‌ماند که فرد در مظان اتهام را قبل از ورود به دستگاه عدالت کیفری، شکل می‌دهد. در واقع اگر مقام تعقیب

وضعیت متهم را به هر صلاح‌دید مناسب تشخیص دهد، او را مزین نموده و وارد پروسه کیفری می‌کند. بدیهی است در این حالت دادگاه این متهم را مجازات نکرده یا عقوبت کمتری برای او در نظر می‌گیرد و یا اینکه وضعیت فرد در معرض اتهام را وخیم‌تر نشان داده و او را با ایرادِ اتهام چه بسا مهم‌تر، وارد پروسه کیفری می‌کند. در هر دو مثالی که تبیین شد این موضوع مورد نظر قرار گرفت که در نهایت، این محلهٔ ایرادِ اتهام است که سرنوشت یک پرونده را تا حد زیادی روشن می‌کند. بی‌ربط نیست اگر در این خصوص برای روشن شدن مثال فوق پرونده‌ای را که اخیراً در دستگاه قضایی ایران مطرح شده را فارغ از هرگونه جهت‌گیری و اهمیت نظام اتهامات تبیین شود.

چندی پیش، در بزرگراه نیایش استان تهران، شخصی وارد بزرگراه شده و از ماشینی که در پشت ترافیک ایستاده اقدام به سرقت می‌کند. این موضوع بعد از بازتاب رسانه‌ای در دستور کار قرار گرفته و مرتکب بعد از چندی دستگیر و با اتهام محاربه روبرو می‌شود. در حال حاضر سرقت یکی از جرائمی است که آمار بالایی از ارتکاب آن در کشور ایران گزارش می‌شود و اخیراً هم به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی جرم سرقت بیش از پیش روی می‌دهد. اما سوال و چالشی که در اینجا ذهن نگارنده و بسیاری از حقوقدانان را به خود مشغول داشته، این است که چرا به جای ایرادِ اتهام سرقت، اتهام محاربه ایراد شده است؟ در پاسخ به این سوال باید اذعان نمود؛ بسیاری از کنشگران کیفری^۲ بر این عقیده هستند که مجازات شدید، بازدارندگی ایجاد می‌کند. از این جهت ملاحظه می‌گردد که قبل از عصر روشنگری در اروپا مجازات‌های بسیار سنگینی برای رفتارهای غیر قانونی در نظر گرفته می‌شد که هیچ‌گونه تناسبی بین اتهام و مجازات وجود نداشت (Choo, 2013: 78)

اکنون در عصر حاضر هم ملاحظه می‌گردد که هنوز اندیشه سزاگرایانه و مجازات مطلق در اندیشه کنشگران کیفری بر روی مبانی ایرادِ اتهام تأثیر گذاشته و عقیده بر این است که مجازات تنها راه مبارزه با بزهکاری است. از این جهت یک سرقت که می‌تواند با مجازات زندان روبه‌رو شود از دروازه عدالت کیفری با اتهام محاربه وارد شده و برای اعمال مجازات سنگین و چه

^۱Theft.

^۲Criminal activists.

بسا قربانی شدن متهم در راستای عبرت گرفتن سایرین صورت پذیرد. بنابراین مثالی که در مطالب فوق مطرح شد به خوبی اهمیت دروازه عدالت کیفری یا همان ایراد اتهام را نشان می‌دهد. چنانکه اتهام سرقت، دستخوش صلاحدید کنشگران کیفری قرار گرفته و در نهایت با اتهام محاربه فرایند کیفری آغار می‌شود.

۳-۲- تحکیم اصل برائت

در مورد اصل برائت^۱ در حقوق کیفری اصطلاحات زیادی به کار رفته است. اصطلاحاتی مانند؛ اصل برائت کیفری؛ فرض بی گناهی متهم، فرض بی گناهی^۲ در حقوق کیفری ملاحظه می‌گردد. اصل برائت، متضمن بی گناهی همه متهمان تا زمان اثبات جرم آنهاست. اصل برائت کیفری در اصل ۳۷ از قانون اساسی و ماده ۴ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تصریح شده است. به موجب اصل برائت هیچکس متهم نیست؛ مگر اینکه جرم وی ماورای هر گونه شک و شبهه معقول، اثبات شود. اما با وجود اعمال اصل برائت در امور کیفری و حاکم بودن آن بر دیگر اصول و قواعد حقوق جزا، به محض گذار از مرحله ایراد اتهام از اعمال این

۱ وضع مقررات آیین دادرسی کیفری و اهتمام به آن در راستای حکومت اصل برائت از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این جهت، باید همه افراد جامعه را که ناکرده بزه فرض کرد تا هنگامی که با توجه به یک آیین دادرسی کیفری صحیح، رفتارهای مجرمانه به اشخاص منتسب شود. همانطور که اساتید حقوق نیز آیین دادرسی کیفری را مجموعه قواعدی قلمداد نمودند که بین وقوع جرم و اعمال کیفر، مانع از هرگونه تعدی و تجاوز احتمالی به حق دفاع و آزادی شهروندان توسط قدرت عمومی می‌شود. اما این مقررات در کنار توجه به حقوق و آزادی های شهروندان از منافع جامعه نیز غافل نبوده و در صدد قواعدی است که امکان کشف جرم، تعقیب متهم و تسریع در اجرای کیفر در مورد مجرم را فراهم سازد. در واقع مجموعه قواعد و تشریفات است که رسیدگی های کیفری از رهگذر آن انجام می شود و بر حرکت کنشگران عرصه اجرای عدالت از لحظه کشف جرم تا پایان اجرای مجازات سایه افکنده است. زیرا اعاده نظم لطمه دیده از جرم از طریق سازماندهی نهادهای عدالت کیفری و حفظ حقوق و آزادی های اساسی افراد از طریق تنظیم واکنش جامعه در برابر بزهکاری دو هدف مهم آیین دادرسی کیفری است که به یک میزان از اهمیت برخوردار است و قواعد موجود در پی ایجاد تعادل بین آن دو است. از چالش های پیش روی این مقررات امکان اصلاح شدن مقررات شکلی است این مقررات باید به گونه ای تنظیم شود که موجب تضییع حقوق اشخاص و به ویژه حقوق مکتسبه آنان نگردد.

innocence presumption.

اصل عدول می‌گردد و تا زمانی که پرونده در مرحله ایرادِ اتهام است اصل برائت حکم فرماست (Burbank, 2003:328).

در خصوص ایرادِ اتهام به افراد، باید اشاره کرد که عدول از اصل برائت، در صورتی توجیه منطقی خواهد داشت که اماره‌ای قانونی و قضایی که سبب ایجاد ظن قوی و اطمینان آور است در میان باشد. وجود این امارات موجب تغییر روند رسیدگی پروسه کیفری شده و به طریقی اصل برائت نسبت به شخص از میان برداشته می‌شود بنابراین ایرادِ اتهام در این حالت خالی از اشکال است. (شاهپوری و بشیریه، ۱۳۹۸: ۳۰۰). اصل برائت، یکی از اصول اساسی و رکن مهم عدالت عملی در حقوق کیفری^۱ است. در واقع اصل برائت را می‌توان به عنوان ابزار مصونیت متهم در برابر خطا و اشتباه مقام تعقیب (دادستان) در فرایند کیفری و از جمله تدابیر قانونی تلقی کرد. می‌توان اصل برائت را به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی دادرسی عادلانه چه در مرحله تقنین و چه در مرحله اثبات جرم^۲ به عنوان یک قاعده جهانی و بین‌المللی پذیرفت. (Defranica, 2009:51)

مرحله ایرادِ اتهام به عنوان اولین مرحله آغاز رسمی پروسه کیفری با مانع بزرگی به نام اصل برائت روبروست و تا زمانی که اصل برائت از متهم حمایت کند، نمی‌توان متهم را بدون دلایل کافی در این مرحله، تحت تعقیب قرار داد. در خصوص موضوعات فوق لازم به ذکر است، که به این موضوع اشاره کرد که ایرادِ اتهام، با عدول از اصل برائت رابطه مستقیمی دارد. با این توضیح که؛ اصل برائت، همانند پدر مهربانی می‌ماند که فرزند خود را محکم در آغوش گرفته و اجازه هیچگونه تعرض و تجاوز به او نمی‌دهد. این حمایت پدر از فرزند تا جایی است که فرزند حق را به جا آورده و از چارچوب قواعد خارج نشود. بنابراین حمایت پدر تا جایی ادامه پیدا می‌کند که فرزند مرتکب جرمی نشده باشد و به محض اینکه مرتکب رفتار مجرمانه شود او را از آغوش خود طرد می‌کند و بعد از طرد شدن فرزند ناخلف، اولین مرحله رویارویی گذار از مرحله ایرادِ اتهام است. از این جهت دستگاه عدالت کیفری تا زمانی که اصل برائت از فرد حمایت می‌کند نمی‌تواند به فرد اتهام وارد نماید.

^۱Criminal Justice.

^۲Proof of crime.

امروزه در دستگاه عدالت کیفری کشور ایران ملاحظه می‌شود که هر کسی کوچکترین اتهامی به دیگری وارد نماید حتی اگر این اتهام واهی و فاقد ادله و قرائن محکم و استوار باشد دادستان به عنوان مقام تعقیب پروسه کیفری را علیه او آغاز می‌کند. ورود بی‌اساس افراد به دالان کیفری در غیاب مرحله ایراد اتهام باعث وضعیتی تحت عنوان مرحله شبه کیفری می‌شود. اصل برائت در حقوق ایران نتوانسته به عنوان بک قاعده اصیل در حقوق کیفری آن چنان که باید و شاید خود را نشان دهد چنان که ملاحظه می‌گردد در رویه عملی دادگاه‌ها بیشتر از آن که اصل برائت حکم فرما باشد، اماره مجرمیت حکم فرما است (عمرانی فر و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۰) و به عبارتی هر فردی به عنوان متهم به دستگاه عدالت کیفری فرا خوانده می‌شود اصل را بر این گذاشته که فرد حتما رفتار مجرمانه‌ای مرتکب شده است. همچنین ملاحظه می‌گردد که در مرحله دادرسی به صرف شکایت کیفری و اعلان جرم بدون توجه به مستندات و دلایل مثبت ارتکاب جرم، فرد مورد اتهام را در غیاب مرحله ایراد اتهام در حقوق ایران به عنوان متهم وارد دستگاه عدالت کیفری می‌نمایند.

به‌زعم نگارنده، فقدان مرحله ایراد اتهام در مرحله دادرسی در حقوق ایران با دو چالش اساسی مواجه است. اولین چالش این است که دادرسی به‌عنوان نهاد اولیه کشف جرم، اصل را بر مجرمیت فرد فراخوانده می‌گذارد و با شدت و قاطعیت وظایف خود را در قبال متهم به اجرا می‌گذارد. این رویکرد به این معناست که هر فردی که وارد دادرسی می‌شود، به‌طور پیش‌فرض مجرم است مگر اینکه بی‌گناهی او ثابت شود. این نگرش در دستگاه عدالت کیفری موجب می‌شود که افراد فراخوانده به دستگاه قضائی، متحمل هزینه‌های شرافتی، حیثیتی، مادی و روانی شوند و در برخی موارد ممکن است با صدمات و محدودیت‌های دیگری مواجه شوند. در واقع، باید ادله و قرائن قوی برای آغاز فرآیند کیفری وجود داشته باشد تا مقام تعقیب (که معمولاً قاضی عالی‌رتبه‌ای است) به اقناع وجدانی برسد که پرونده دارای شواهد کافی برای تعقیب است و این مرحله باید پس از آن صورت گیرد که اصل برائت رعایت گردد. این وضعیت زمانی محقق می‌شود که اصل برائت در مرحله ایراد اتهام به‌درستی اعمال شود و به آن توجه کافی شود. چالش دوم این است که در برخی از موارد، اصل برائت نقض می‌شود. وقتی از «اصل» برائت صحبت می‌شود، یعنی این اصل در تمام شرایط باید رعایت شود و شامل تمام افراد، اعم از مجرم یا متهم، می‌شود. اما

در عمل، مشاهده می‌شود که اصل برائت با نوع جرم یا مجرم جای خود را به اماره مجرمیت می‌دهد و این امر برخلاف دکترین حقوق کیفری است که باید اصل برائت را در همه شرایط محترم بشمارد.

می‌توان گفت یکی از مهمترین مصادیق در تأیید گفته پیشین رویکرد امنیتی در خصوص جرایم تروریستی که جزئی از جرایم علیه امنیت^۱ به شمار می‌آید، تحدید یا تضعیف اصل برائت و در نتیجه حاکمیت اماره مجرمیت، در مورد متهمان این جرائم است به این نحو که متهم نباید در مورد تأمین مالی تروریسم، پولشویی، اتهام هم‌دستی و هرگونه ارتباط با تروریست‌ها را از خود سلب نموده و ثابت نمایند که هیچ نوع همکاری مالی با آنها نداشته یا از تروریستی بودن اهداف آنها آگاه نبودند. (Hacking, 2010: 130) در مورد تأمین مالی تروریسم از طریق پولشویی برخی از کشورها، اشخاص را که یکبار در حساب بانکی آنها پول قابل توجهی جابجا

۱ اهمیت جرایم علیه امنیت به قدری مهم و اساسی است که قانون‌گذار کشور ایران در خصوص این دسته از جرائم از برخی از اصول و قواعد مسلم حقوقی دست کشیده است. این اصول مورد اهمیت عبارت اند از اصل درون مرزی بودن قوانین با این توضیح که در جرائم علیه امنیت جرایمی که در خارج از کشور روی می‌دهد و علیه امنیت داخلی محسوب می‌گردد دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی می‌باشد در حالی که قوانین مختص درون هر کشور و تبعه‌های آن می‌باشد. مورد دوم صرف اندیشه مجرم‌ان جرم محسوب نمی‌شود اما در جرائم علیه امنیت حتی اندیشه مجرمانه می‌تواند جرم محسوب شود. (ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی) مورد سوم که از اهمیت بالاتری برخوردار است بحث رعایت اصل شفافیت در قانون است این در حالی که مشاهده می‌شود در قانون مجازات اسلامی از این اصل در جرائم علیه امنیت عدول شده از دسته موادی که در این خصوص می‌تواند به آن اشاره کرد ماده ۵۳۰، ۴۹۸، ۵۱۰، ۲۸۷، از قانون مجازات اسلامی می‌باشد. مورد بعدی یا چهارمین مورد: عدم تأثیر اکراه و اجبار به عنوان یکی از موانع مسئولیت کیفری در جرایم علیه امنیت می‌باشد با این توضیح که در بسیاری از کشورها در خصوص جرایم علیه امنیت اکراه و اجبار به عنوان یکی از موانع مسئولیت کیفری شناخته نمی‌شود پنجمین مورد عدم ورود نهادهای ارفاقی در جرایم علیه امنیت است با این توضیح که در جرائم علیه امنیت نهادهای ارفاقی که در قانون در نظر گرفته شده همانند نهاد توبه، در جرایم علیه امنیت مانند محاربه وارد نیست. همچنین آخرین موردی که می‌تواند به خوبی اهمیت جرایم علیه امنیت را نشان دهد ورود مجازات اعدام در این دسته از جرایم است با این توضیح که امروز در اکثر کشورها مجازات اعدام یکی از مجازات‌های خلاف قواعد حقوق بشری شناخته می‌شود در حالی که در بحث خیانت به کشور و یا به عبارتی در جرایم علیه امنیت این مجازات وارد و به عنوان یک اصل شناخته شده است چنان که در مجازات‌ها در صورت که رفتار صدق عنوان محارب یا مفسد یا بغی نماید مجازات مرتکب اعدام است. (حاجی ده آبادی، احمد، ۱۴۰۱: ۴۵)

شده مورد سوال و تحقیق قرار می‌دهند تا شخص در این زمینه شفاف سازی نماید در غیر این صورت مورد اتهام قرار خواهد گرفت. همچنین اگر کسی به عضویت سازمان‌های تروریستی درآید جرائمی انتسابی با آن سازمان به نام این شخص نیز منظور خواهد شد مگر اینکه، عضو در مظان اتهام، بی‌گناهی خود را ثابت کند. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹) در همین رابطه و با بررسی تطبیقی ملاحظه می‌گردد؛ در حقوق کشور انگلستان، قوانین ضد تروریسم به ویژه، قانون تروریسم مصوب ۲۰۰۶ میلادی، گرایش به وارونه کردن بار اثبات جرم دارد و به عبارتی اماره مجرمیت را مقدم بر اصل برائت نموده است. طرفداران این رویکرد بر این باورند که بار اثبات بی‌گناهی متهم باید بر عهده خود فرد باشد زیرا در گام نخست پیگرد یا بازجویی و گردآوری دلایل درباره جرم تروریسم، بسیار سخت و دشوار به نظر می‌رسد. در گام دوم؛ خطرآفرین و مشکل ساز است و در گام سوم؛ تروریست‌ها اطلاعات زیادی از هم‌دستان خود و سایر گروه‌های تروریستی دارند که با حاکمیت اصل برائت امیدی به کسب این اطلاعات وجود ندارد اما اگر بار اثبات بی‌گناهی بر عهده متهم قرار گیرد می‌توان اطلاعات زیادی از تروریست‌ها به دست آورد (عالی‌پور، ۱۳۸۸: ۳۰). در واقع به نظر می‌رسد که در جرائم فوق، ایراد اتهام به عنوان ابزاری در اختیار دولت‌ها می‌باشد و در هر موقعیتی که دولت حاکمیت خود را در خطر ببیند اماره مجرمیت را بر اصل برائت مقدم می‌نماید و این موضوع یعنی ابزاری بودن ایراد اتهام در اختیار دولت‌ها که می‌تواند دادرسی عادلانه که یکی از مهمترین اصول حقوق بشر است با چالش اساسی روبرو نماید.

در سیستم‌های حقوقی اتهامی، مانند حقوق انگلستان، مرحله ایراد اتهام به عنوان گام نخست در فرآیند کیفری عمل می‌کند. در این مرحله، اتهاماتی که علیه فرد مطرح می‌شود، باید بر اساس شواهد معتبر و دلایل مستند باشد. این فرآیند، به‌طور خاص، نقش حیاتی در حفظ حقوق بشر^۱ ایفا می‌کند، چرا که تنها پرونده‌هایی که دارای شواهد کافی برای اثبات جرم هستند، وارد مرحله دادرسی می‌شوند. (Nkolo, 2023:90) از این رو، این مرحله به عنوان یک فیلتر اولیه برای ارزیابی صحت و قوت پرونده عمل می‌کند و از آنجایی که تنها پرونده‌های مستند و قابل اثبات به‌طور رسمی وارد فرایند تعقیب می‌شوند، احتمال نقض اصل برائت و به تبع آن محاکمه افراد

بی‌گناه به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. این روند به معنای احترام به حقوق بنیادین افراد و جلوگیری از استفاده بی‌اساس از دستگاه قضائی است. در نتیجه، اطمینان حاصل می‌شود که افراد تنها در صورتی که دلایل کافی علیه آنها وجود داشته باشد، مورد تعقیب و دادرسی قرار می‌گیرند. چنین سیستمی نه تنها از حفظ کرامت انسانی حمایت می‌کند، بلکه موجب کاهش اشتباهات قضائی و افزایش دقت و شفافیت در روندهای قضائی نیز می‌شود.

در سیستم‌های حقوقی اسلامی نیز اصول مشابهی به حقوق بشر در زمینه دادرسی منصفانه و حفظ حقوق متهمان وجود دارد. از منظر حقوق بشر اسلامی، هر فرد از حقوق اساسی برخوردار است که شامل اصل براءت و ضرورت وجود شواهد معتبر برای اثبات جرم می‌شود. در قرآن کریم و سنت نبوی، همواره بر این تأکید شده است که هیچ‌کس بدون دلیل و شواهد مستند نباید مجازات شود. به‌ویژه در آیه‌ی شریفه «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء، ۳۶) تأکید می‌شود که باید از اتهام زدن بی‌اساس و بدون داشتن علم به حقیقت خودداری کرد. (عمرانی فر و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۶).

۳-۳- بالابردن ضریب رسیدگی منصفانه

رسالت وجودی دادگاه‌ها «چه از نوع داخلی و یا بین‌المللی» رسیدگی عادلانه و منصفانه، نسبت به حقوق تضییع شده افراد جامعه است. قانون دادرسی عادلانه، مجموعه‌ای از استانداردهای حقوقی ایجاد شده است که حقوق متهم را در جریان دادرسی مشخص می‌کند و به مقام رسیدگی‌کننده گوش‌زد می‌کند، باید حقوق متهم را تمام و کمال رعایت نماید. در جریان رسیدگی حقوق متهم می‌تواند شامل حق برخورداری از وکیل، حق تناسب ایرادِ اتهام، حق مواجهه با شهود و حق کلی بر دادرسی عادلانه باشد. (Defranica, 2009: 1386). مرحله ایرادِ اتهام به عنوان یکی از مراحل رسیدگی کیفری به خوبی می‌تواند رسیدگی منصفانه را تضمین نماید چرا که دادستان به عنوان یک مقام قضایی، در بادی امر، قبل از ورود شخص به دستگاه عدالت کیفری، با یک بررسی ابتدایی از موضوع و موجود در پرونده به این نتیجه می‌رسد که آیا در خصوص پرونده موجود باید ایرادِ اتهام وارد شود یا خیر. در غیر این صورت از ایرادِ اتهام خودداری نماید. بنابراین نباید از این موضوع غافل شد که فرستادن پرونده‌ها، بدون بررسی

ابتدایی توسط یک مقام قضایی برای تحقیق، خود می‌تواند مرحله‌ای به عنوان «مرحله شبه کیفری» محسوب شود و اما منظور از مرحله شبه کیفری چیست؟ ملاحظه می‌شود وقتی یک پرونده بدون بررسی ابتدایی از مرحله ایراد اتهام گذر و وارد مراحل بعدی عدالت کیفری می‌شود در ابتدا با تفهیم اتهام روبرو می‌گردد که خود محدودیت‌هایی برای فرد ایجاد می‌نماید. برای مثال در حقوق ایران وفق (ماده ۲۱۷) از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقام قضایی باید برای متهم، قرار تأمین کیفری، صادر نماید و چه بسا این قرار تأمین کیفری در بعضی از موارد به دلیل عجز از تودیع کفیل یا وثیقه متهمی به بازداشت موقت فرد شود. در اینجا ملاحظه می‌گردد که متهم به محض ورود به دستگاه عدالت کیفری دچار وضعیت شبه کیفری می‌شود. ناگفته نماند که در این میان احتمال دارد متهم برای رفع اتهام از خود از وکیل مساعدت بخواهد و یا در این میان شخص متهم تاجر موفقی باشد که برای یک فعالیت تجاری باید به خارج از کشور مسافرت نماید و در این جا مقام قضایی به دلیل ایراد اتهام نسبت به او دستور یا قرار منع خروج از کشور را درباره او به اجرا بگذارد. در حالی که اگر پرونده مطروحه در ابتدا مورد بررسی دقیق و موشکافانه مقام قضایی (قبل از ارجاع به مقام تحقیق) قرار می‌گرفت و در ابتدا مقام قضایی به این نتیجه می‌رسید که ایراد اتهام قوی به نظر نمی‌رسد پرونده را مختومه و از ورود آن به دستگاه عدالت کیفری خودداری نماید. از این جهت نویسنده در مطالب ذیل به طور تطبیقی مرحله تعقیب را در یکی از نهادهای مهم بین‌المللی در راستای حمایت از حقوق بشر، یعنی دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) بررسی می‌نماید. در دیوان بین‌المللی کیفری (ICC)؛ دادستان نقشی اساسی در فرآیند دادرسی کیفری ایفا می‌نماید؛ نقشی که فراتر از ایراد اتهام است. به همین خاطر، متصف به وصف قاضی است. وظیفه اصلی مقام تعقیب، پیگیری دعوی عمومی است. با این حال، وی موظف است همواره جانب انصاف را نگاه داشته و به مصالح و منافع شخص تحت تعقیب نیز توجه نماید. از سوی دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی وجود دارند که بر تأیید و اثبات گفته فوق دلالت می‌نماید. چنانچه وظیفه جمع‌آوری بی‌طرفانه دلایل، توسط دادستان غیرممکن بود هیچ گاه در متن این اسناد به تکلیف دادستان در جمع‌آوری بی‌طرفانه دلیل اشاره نمی‌شد. (گلدوست‌جویباری و عباسی، ۱۳۹۳: ۱۱۰) در حقوق ایران، دادستان در صورتی که موضوعی را خلاف نظم عمومی ببیند می‌تواند در آن موضوع ورود کرده و تعقیب

متهم را در دستور کار خود قرار دهد. در حالی که در دیوان (ICC)، دادستان برای شروع تعقیب و تحقیق نیازمند کسب مجوز از شعبهٔ مقدماتی (نهادی با کارکرد مشابه مرحلهٔ ایرادِ اتهام تحت عنوان نظام تأیید اتهامات) است. (ماده ۱۵ اساسنامه) شعبهٔ مقدماتی با بررسی سایر جهات در صورتی که تعقیب متهم منطبق با جهات شروع به تعقیب مندرج در اساسنامه باشد، اذن لازم جهت شروع تعقیب و تحقیق را به دادستان می‌دهد. (عمرانی فر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۰)

در حقوق انگلستان، مرحله ایرادِ اتهام به‌عنوان یک فیلتر اساسی برای ارزیابی اولیه شواهد و دلایل علیه متهم عمل می‌کند. این فرآیند ابتدایی به‌طور مؤثر از ورود پرونده‌های ضعیف یا فاقد اعتبار به سیستم عدالت کیفری جلوگیری می‌کند. هدف این مرحله، پیشگیری از محاکمه‌های بی‌اساس و هدررفت منابع قضائی است و به‌ویژه از محاکمه افراد بی‌گناه و اعمال ناعادلانه جلوگیری می‌کند. این بررسی اولیه شواهد که قبل از آغاز تعقیب رسمی توسط دادستان انجام می‌شود، به‌عنوان یک گام مهم در ارتقای عدالت کیفری شناخته می‌شود. زیرا از ورود پرونده‌هایی که به دلیل فقدان شواهد کافی نمی‌توانند به اثبات جرم برسند، جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب، امکان دادرسی منصفانه برای متهم فراهم می‌شود، چرا که وی از ابتدا آگاه است که تنها در صورتی که دلایل مستند و شواهد کافی علیه وی وجود داشته باشد، به دادگاه ارجاع خواهد شد. (McCannon and Porreca, 2025:302)

این فرایند نه تنها به حفظ اصل برائت کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت حقوق بشر و به‌ویژه حق دادرسی منصفانه می‌شود. با اطمینان از این که متهم تنها در صورت وجود دلایل محکم تحت تعقیب قرار گیرد، مراحل دادرسی از هرگونه شتابزدگی یا نادیده‌گرفتن حقوق دفاعی جلوگیری می‌کند. به این ترتیب، از حقوق بنیادین فردی و اصول عدالت اجتماعی که در قوانین بین‌المللی و حقوق بشر مورد تأکید قرار دارد، محافظت می‌شود. (عمرانی فر و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۸) در حقوق بشر اسلامی نیز مفاهیم مشابهی در زمینه ارزیابی شواهد و حفظ حقوق متهم وجود دارد که با توجه به اصول اسلامی، اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی، اصل برائت است که به معنای بی‌گناهی فرد تا زمانی است که جرم او اثبات نشود. در قرآن کریم آمده است: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء، ۵۸)، که تأکید بر

حکم به عدل و انصاف در همه مراحل دادرسی دارد. این اصل به‌ویژه در ارزیابی اولیه شواهد و دلایل علیه متهم از اهمیت زیادی برخوردار است.

۳-۴- کشف حقیقت در وادی ایراد اتهام

در فرایند کیفری در راستای تعیین فرد خاطی و روشن شدن ابعاد پرونده و ایراد اتهام یا همان دعوت افراد به پرونده کیفری «کشف حقیقت» از اهمیت بسزایی برخوردار است. در حقوق کشور ایران شیوه دادرسی و مدل تحقیق و تعقیب جرایم در نظام حقوق نوشته، مطابق نظام تفتیشی است. این رویکرد بر انجام تحقیقات از سوی دولت تأکید دارد. به منظور اثبات حقیقت، دولت با حضور و دخالت مضاعف، خود را مسئول احراز واقع و کشف و اجرای عدالت می‌داند. ازیکسو دادستان و از طرف دیگر یک یا چند قاضی بی‌طرف (قضات دادگاه) درگیر کشف حقیقت هستند (Jorg and Brants, 2012: 91). به عنوان مقامی بی‌طرف، وظیفه پیگیری و کشف حقیقت و جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم را عهده‌دار است؛ به همین دلیل کشورهای دارای نظام حقوق نوشته، معامله اتهام را نمی‌پذیرند، زیرا پذیرش این امر می‌تواند پوششی برای کشف حقیقت باشد (Ambos, 2003: 15).

کشف حقیقت سه دوره را سپری نموده و در واقع در این سه دوره کشف حقیقت دستخوش تغییرات رویکرد عدالت کیفری و به تبع آن مقوله ایراد اتهام، بوده است. این سه دوره شامل عدالت کیفری کلاسیک، عدالت کیفری میانه و عدالت کیفری نوین می‌باشد. در دوره کلاسیک ملاحظه می‌گردد؛ تولد با تحول اولیه حقوق کیفری ماهوی و شکلی مدیون حقوق جزایی کلاسیک است. در حقوق جزای کلاسیک دغدغه اصلی کیفر و مکافات دادن بزهکار با عنایت به درجه وخامت و شدت عمل مجرمانه و بدون توجه به انگیزه مرتکب آن، اوضاع و احوال مشرف بر جرم است (نجفی‌ابرنآبادی: ۱۳۹۰: ۱۰) دشواری وظیفه قاضی دادگاه کیفری، به عنوان یک مقام بی‌طرف که باید اختلاف‌ها افراد جامعه را با توجه به جمع‌آوری شده حل و فصل نمایند زمانی روشن می‌شود که این موضوع مد نظر قرار گیرد که دادرس با همه تخصص علمی

^۱Discover the truth.

^۲Accusation treatment.

و تسلط حرفه‌ای در قانون در قبال موضوعات و وقایع نسبت به طرف‌های متخاصم آگاهی کمتری دارد. آگاهی او بر امور از طریق مواجهه و تجربه مستقیم وقایع مانند مشاهده باید به گونه غیرمستقیم و با واسطه آنچه نام دارد حاصل شود. این واسطه اگرچه طریقت دارند اما اغلب تنهاترین طریق موجود یا ممکن برای وصول و نزدیکی به واقعیت است، بنابراین؛ ملاحظه می‌گردد که در این دوره برچسب بزهکاری به راحتی بر افراد جامعه وارد می‌شود و دستگاه عدالت کیفری در دوره کلاسیک برای کشف حقیقت، افراد را به آسانی وارد دستگاه عدالت کیفری می‌کند و به نوعی ایرادِ اتهام هیچ‌گونه ضابطه؛ معیار و مبنایی ندارد. در صورتی که فرد در مظان اتهام قرار گیرد چون هدف، کیفر اشخاص می‌باشد هر رفتاری با ایرادِ اتهام روبرو می‌گردد. در دوره باستان ایرادِ اتهام بیش از این که در اختیار یک مقام بی طرف باشد، در اختیار افراد اجماعه بود و آنان با توجه به شدت نفرت، صدمات و خسارات وارده به معرفی اتهام می‌پرداختند. به عبارتی در این دوره بیشتر از کشف حقیقت، انتقام خصوصی دارای اهمیت است. (Worrall, 2008: 91). در دوره میانی عدالت کیفری با استقرار یک قدرت سازمان یافته و مرکزی، به اسم دولت و به ویژه با تولد و گسترش حقوق مدرن در اوایل سده ۱۹ میلادی در اندیشه‌های دانشمند معروف؛ سزار بکاریا شکل گرفت. رفته‌رفته نمایندگان دولت در دستگاه عدالت کیفری، شامل؛ پلیس و قضات، سرنوشت تعقیب و محاکمه کیفری را به دست گرفتند در نتیجه نسبت به دوره کلاسیک که در مطالب فوق به آن پرداخته شد، نقش شاکی یا بزه دیده در فرایند کیفری کم‌رنگ شد. در حقیقت با ظهور علم جرم شناسی در سال ۱۸۷۶ با انتشار کتاب «انسان بزهکار» توسط سزار لمبروزو، عصر مجرم‌مداری در آموزه‌های حقوق کیفری آغاز گردید. (indler and Hjalmarsson, 2021: 451) با ظهور این مکتب بود که اندیشه‌های اصلاح و بازپروری که در واقع غایت و سرانجام آموزه‌های جرم شناسی است مدنظر جرم شناسان قرار گرفت و نقش شاکی در فرایند کیفری نسبت به دوره قبل حتی در مکتب دفاع اجتماعی به عنوان عنصری کم‌رنگ محسوب شد که صرفاً عنوان شاکی خصوصی را به دنبال داشت تا بتواند خسارات خود را جبران نماید. در حقیقت در جمع بندی مطالب فوق باید بیان نمود که با تحولات که صورت گرفت ایرادِ اتهام به نوعی ضابطه‌مند و دارای مبنا شد. White,

Criminal human.

(2015:89). در حقیقت در عصر نوین، برای کشف حقیقت زمانی ایرادِ اتهام صورت می‌گرفت که مقام تعقیب ورود افراد به دستگاه عدالت کیفری را مناسب تشخیص دهد. برخلاف دوره قبل، ایرادِ اتهام از دست افراد خارج شد و مقام تعقیب، با دریافت گزارش وقوع جرم اتهامات وارده را تشخیص و سپس پس با متهم کردن فرد وفق قانون، فرد را وارد دستگاه عدالت کیفری می‌کرد تا حقیقت ماجرا روشن گردد. در واقع ملاحظه می‌گردد در این دوره علاوه بر کشف حقیقت تا حدودی متناسب بودن تعقیب هم مدنظر قرار می‌گرفت. (Waddington, 2000: 21)

در دوره نوین عدالت کیفری، کشف حقیقت چهره تازه‌ای به خود گرفت به نوعی که با دوره میانی و کلاسیک بسیار متمایز می‌باشد. در واقع ملاحظه می‌شود که در پرتو آموزه‌های مکتب عدالت ترمیمی، دیگر همانند دوره کلاسیک و دوره میانی، کشف حقیقت تنها ملاک دستگاه دارد کیفری نیست و به عبارتی دستگاه عدالت کیفری به نتیجه رشد و بالندگی رسیده که باور دارد «هر اتهامی ارزش ورود به دستگاه عدالت کیفری را ندارد» (Cantemir, 2013:97) بنابراین ابتداً دستگاه عدالت کیفری برای ورود افراد به پروسه کیفری و در نهایت کشف حقیقت به این سوال پاسخ می‌دهد که کشف حقیقت چه مقدار با مصلحت عمومی سازگار است؟ در دوره کلاسیک و در دوره میانی این سؤال به هیچ عنوان مطرح نمی‌شود و برای کشف حقیقت هر اتهامی باید وارد دستگاه عدالت کیفری می‌شد تا صحت و سُقم آن توسط مقام قضایی بررسی شود. ملاحظه می‌شود که در دوره عدالت کیفری نوین، نتیجه کشف حقیقت هم موثر است. از منظر بررسی تطبیقی قانونگذار ایران در سال ۱۳۹۲ در قانون آیین دادرسی کیفری، نوآوری‌هایی را در این زمینه ایجاد نموده است. برای نمونه می‌توان به قرار تعلیق تعقیب اشاره کرد که در آن کشف حقیقت با معیار «در فرض ثبوت نمی‌تواند نتیجه بخش باشد» از تعقیب متهم خودداری نماید. به عبارتی کشف حقیقت در جرایم کم‌اهمیت اهداف حقوق کیفری را تامین نمی‌کند از این جهت ملاحظه می‌گردد که دستگاه عدالت کیفری سعی می‌کند به روش دیگری متهم را کیفر و از این دسته از جرایم کم‌اهمیت چشم‌پوشی نموده و از ورود پرونده‌ها و تورم کیفری خودداری می‌نماید تا به پرونده‌های مهم دیگر بپردازد. در نهایت در دوره عدالت کیفری نوین، ملاحظه می‌گردد که دستگاه عدالت کیفری تعقیب متهم را با مفهوم تناسب یا به عبارتی متناسب بودن مخلوط می‌کند و در صورتی که شرایط ایجاب نمایند و تعقیب متهم به نفع جامعه باشد، تعقیب

آغاز می‌گردد که از آن به عنوان «جایگزین‌های تعقیب» هم نام برده می‌شود. Safferling, (2001: 151). البته در مرحله ایرادِ اتهام ملاحظه می‌گردد که دستگاه عدالت کیفری نتوانسته اقدام نوینی در حقوق کیفری ایران انجام دهد و در واقع تمام موارد فوق به نوعی بعد از ایرادِ اتهام و در مرحله تعقیب کیفری یا به عبارتی مرحله بعد از ایرادِ اتهام است. در حقوق انگلستان، فرایند کیفری این مجوز را دارد که در فرض اقناع، در مورد عدم نتیجه در کشف حقیقت؛ از ایرادِ اتهام منصرف شده و در مرحله ایرادِ اتهام و پیش از آغاز رسمی فرایند کیفری، پرونده مختومه گردد. (Simpson, 2014: 189).

۳-۵- تعدیل پارادایم اطلاق گرایانه حقوق کیفری

پارادایم اطلاق گرایانه پروسه کیفری این موضوع را مطرح می‌کند که دادستان به عنوان مقام تعقیب، باید دعوای عمومی را به جریان بیاورد و جز در موارد محدود (همانند حقوق کشور انگلستان و نه ایران) نمی‌تواند از ایرادِ اتهام خودداری کند. مبنای اصلی پارادایم اطلاق گرایانه کیفری، اصل «الزامی بودن تعقیب» است که جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوقی تمام کشورها دارد. (Phillips and Brown, 2002: 211). مطابق پارادایم اطلاق گرایانه، دادستان ملزم است به محض اطلاع از وقوع جرم حسب گزارش ضابطین دادگستری و یا شکایت‌های خصوصی، در صورت وجود دلایل بر وقوع و انتساب آن به متهم، پروسه کیفری را آغاز نماید. انصراف و یا آغاز فرایند کیفری علیه مرتکب جرم، جرم، از هر درجه‌ای که باشد مطلقاً به میل و اراده دادستان گذارده نشده است. این قاعده‌ای است که مورد قبول غالب قوانین خارجی به پیروی از سیستم الزامی بودن تعقیب، قرار گرفته و به آن عمل می‌شود. (Ambos, 2003: 15) این سیستم از لحاظ تئوری چنین توجیه شده است که اولاً؛ برابری و مساوات مجرمین در مقابل قانون به‌خوبی تضمین شده، زیرا هر کسی که مرتکب جرم شد مثل سایر مجرمین به همان نحو تعقیب و محاکمه و مجازات خواهد گردید. ثانیاً؛ منطبق با اصل تفکیک قواست، زیرا قانون جزا ناشی از تصمیم قوه مقننه است که برای مقامات قضائی و اجرائی جنبه آمرانه دارد و موظف به اعمال آن هستند و به هیچ وجه صلاحیت دخل و تصرف در آن را برای دخالت در انصراف و آغاز فرایند کیفری ندارد. (Wyngaert, 2010: 48). اگر عملی به موجب قانون جرم

۱. The rule of mandatory prosecution.

شناخته شده است؛ قصد قانونگذار بدون تردید تعقیب و مجازات بزهکار بوده و چنانچه دادستان علی‌رغم دلائل کافی از ایراد اتهام انصراف حاصل نماید، نقض مقرراتی را نموده و تا زمانی که قانونگذار صریحاً یا ضمناً آن را نسخ نکرده باشد لازم الاجرا است. مدت زمان طولانی نظام تعقیب اجباری، رویکرد غالب در اکثر پرونده‌های کیفری بود به نحوی که دادستان به عنوان آغاز کننده تعقیب کیفری وظیفه داشت به محض اطلاع از ارتکاب جرم، بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای تعقیب کیفری را آغاز نماید. بعد از اثبات ناکارآمد بودن این تفکر و در نتیجه رشد جمعیت کیفری و افزایش جمعیت زندان‌ها و از طرف دیگر رشد اندیشه‌های اصلاح گرایانه و تقویت گفتمان‌های رفتار کرامت‌مدار از طرف دیگر موجب بازاندیشی در این رویکرد و تعدیل آن با رویکرد «موقعیت داشتن تعقیب کیفری»^۱ فراهم شد. ملاحظه می‌گردد که بعد از جنگ جهانی دوم، اصل موقعیت داشتن تعقیب کیفری به یک اصل جهان شمول تبدیل شد به نحوی که به موجب توصیه نامه سال ۲۰۰۰ کمیته وزیران شورای اروپا، به نقش دادستان در نظام عدالت کیفری مبنی بر جایگزین‌های تعقیب پرداخته شد. (حاجی‌ده‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹)

بنابراین پارادایم اطلاق گرایانه پروسه کیفری، این موضوع را مطرح می‌کند که دستگاه عدالت کیفری از طریق دادستان موظف است هر گونه اتهام را وارد فرایند کیفری نماید. برای نمونه می‌توان به نظام تعقیب کیفری در کشور ترکیه اشاره کرد. در کشور ترکیه در واقع نظام تعقیب اجباری جرایم حاکم است و به محض اطلاع دادستان از وضعیت‌هایی که ظن ارتکاب جرم را ایجاد می‌کند، چه از طریق اعلام جرم چه از طریق سایر طرق، مکلف است نسبت به کشف حقیقت اقدام و در خصوص تشکیل پرونده و تعقیب جرم به صورت عمومی تصمیم‌گیری نماید. دادستان موظف است (وفق ماده ۱۶۰ از قانون مقررات رسیدگی کیفری کشور ترکیه) از طریق ضابطان دادگستری که تحت امر او هستند، نسبت به جمع‌آوری و مدارک له و علیه مظنون اقدام کند. (Miraglia, 2008: 99)

با توجه به این نگرش، ملاحظه می‌شود که دادستان در واقع تنها یک مقام منفعل و صرفاً آغازکننده پروسه کیفری است و هیچ‌گونه صلاحیت تصمیم‌گیری در مرحله پیش از تعقیب ندارد. در سیستم‌های عدالت کیفری سنتی، اصل الزام تعقیب کیفری به‌طور کامل حاکم و قابل مشاهده

۱. The rule of appropriateness prosecution.

بود، اما با ظهور نظام‌های عدالت کیفری نوین، که بر مبنای یافته‌های جدید در علوم کیفری و جرم‌شناسی شکل گرفتند، اصل متناسب بودن تعقیب کیفری جایگزین آن شد. پارادایم اطلاق‌گرایانه حقوق کیفری هرگونه اتهام را ملزم به پیگیری می‌کند و به عبارتی تعقیب همه‌جانبه را توجیه می‌نماید.

این در حالی است که در حقوق انگلستان، مرحله ایرادِ اتهام توانسته است با بررسی دقیق پرونده‌های کیفری، تا حد زیادی از اصل الزام تعقیب عدول کرده و به دادستانی این اختیار را بدهد که پرونده‌هایی را که فاقد دلایل کافی و به‌ویژه منافی مصلحت عمومی هستند، به جریان نیندازد و به‌طور غیرقضائی آن‌ها را مختومه نماید. این فرآیند، تا حد زیادی منجر به تعدیل پارادایم اطلاق‌گرایانه حقوق کیفری و ایجاد تعادلی میان الزام تعقیب و مصلحت عمومی شده است (Cushing, 2014: 90).

۳-۶- فرصت‌دهی برای عدم ورود به پروسه کیفری

از جمله دیگر بایسته‌های ایرادِ اتهام، «فرصت‌دهی برای عدم ورود به پروسه کیفری»^۱ رسمی در مرحله ایرادِ اتهام است. فرصت‌دهی به این معنا است که دستگاه عدالت کیفری در مرحله ایرادِ اتهام، فرصتی را به مظنون بدهد تا آن فرد بتواند ادله موجود در جهت، رفع هرگونه شک و شبهه ارتکاب بزهکاری از ناحیه خویش را فراهم سازد. در واقع در مرحله فرصت‌دهی، دستگاه عدالت کیفری گزارشی مبنی بر ارتکاب جرم دریافت می‌نماید و سپس با بررسی صحت و سقم گزارش واصله به طور محرمانه، در مرحله ایرادِ اتهام اقدام به بررسی می‌کند. این موضوع می‌تواند در حالتی که فرصتی به فرد مظنون داده نشود تا مستندات رفع اتهام را ارائه دهد، غیر عادلانه به نظر رسیده و زمینه‌های دادرسی غیر استاندارد را فراهم نماید. (Pavlich, 2018: 41). فرصت‌دهی برای فرد فراخوانده شده به دستگاه عدالت کیفری، بیشتر از این که یک ساختار ماهوی باشد، یک ساختار شکلی است و جایگاه بحث آن در قواعد دادرسی کیفری می‌باشد. قوانین و مقررات کیفری به واسطه ارتکاب جرم، در نخستین گام، در تلاش برای حفظ یا اعاده نظم از بین رفته حکومت و نمایندگان آن نظیر دادستان و دادر را در برابر افرادی که نظم و امنیت جامعه را مختل می‌کنند مکلف و مختار می‌کند. (خالقی، ۱۳۹۸: ۲۵) در مقابل ایرادِ اتهام

¹ Giving a chance not to enter the criminal process.

نسبت به افراد جامعه آنها را وارد فرایند کیفری می‌کند که ناگزیر، دست‌بسته و ناتوان در برابر حکومت و نمایندگان آن با تمام اختیارات ابزارها و امکانات قرار می‌گیرد. از این‌رو، امروزه به موجب آموزه‌های حقوقی نوین، با شدت بیشتری از هدف دیگر مقررات آیین دادرسی کیفری، یعنی حس آزادی و حقوق شخصی، سخن به میان می‌آید. بنابراین با تأثیر بر الگوی دادرسی منصفانه و دوری از الگوی کنترل جرم، قوانین و مقرراتی در جهت تأمین و تضمین حقوق متهم مقرر می‌گردد. از سوی دیگر اگر چه نماینده جامعه به گونه‌ای به کمک بزه‌دیده^۱ می‌شتابد؛ اما مقررات آیین دادرسی کیفری با رویکرد رفتار منصفانه و اجرای عدالت تام، برای جبران خسارت‌ها و تأمین حقوق بزه‌دیده نیز باید فکری اندیشیده باشد و از میزان دردمندی او کاسته و از بزه‌دیدگی مضاعف وی جلوگیری کند. به این ترتیب شرایط به گونه‌ای تنظیم شود که از همان آغاز طرح دعوای کیفری تمامی طرف‌های دعوا با تجهیزات و امکانات مساوی و شرایط برابر به نبرد قضایی بپردازد. (Merrills, 1990: 57) در این راستا با پذیرش اصل برابری سلاح‌ها^۲ در کشورهای مختلف متأثر از دادرسی منصفانه‌ای که در اسناد بین‌المللی نظیر ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر گردیده با

۱. Victim.

۲ اصل برابری سلاح‌ها به این معنا است که هریک از طرف‌های دعوا باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود در وضعیت نامناسب تری قرار ندهد. امروزه اصل مزبور در سطح جهانی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته و از دید اسناد بین‌المللی، پذیرش این اصل متأثر از پذیرش الگوی جهانی دادرسی منصفانه است که با گرایش به سوی نظام اتهامی، به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی، شکل گرفته است. این امر مستلزم آن است که در مرحله تحقیقات مقدماتی که نخستین مواجهه متهم، بزه‌دیده و شاهد با دستگاه عدالت کیفری است و پایه‌های پرونده کیفری در این مرحله شکل می‌گیرد، قانون‌گذار امکانات و تجهیزات اشخاص مزبور را مشخص و تضمین‌هایی در جهت رعایت آنها پیش‌بینی کند. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با الهام از برخی از اسناد بین‌المللی در مرحله تحقیقات مقدماتی در مواردی به برخی از تضمین‌های اصل برابری سلاح‌ها نظر دارد و بعضی از مقررات این قانون بر پایه هم‌ترازی طرف‌های دعوای کیفری استوار شده است. با این حال، این موارد با برخی از محدودیت‌ها در خصوص برخی از جرایم روبرو است که خواه ناخواه برابری کامل طرف‌ها، یعنی توازن نسبی متهم، دادستان و بزه‌دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی را خدشه‌دار می‌سازد. توسلی

نائینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۱)

هدف تعدیل و استاندارد هر چي بیشتر دادرسی کیفری به ویژه مرحله آغاز فرایند کیفری، گرایش به سمت اتهامی شدن نظام دادرسی در مرحله دادرسی بیشتر احساس می‌شود. هنگامی که رویه قضائی کشور ایران در خصوص آغاز فرایند کیفری بررسی می‌شود، مشخص می‌گردد که شخصی که به دستگاه عدالت کیفری فراخوانده می‌شود، یا به عبارتی علیه او شکایت کیفری مطرح می‌گردد، پس از وصول پرونده به دادستان، و دریافت اذن تعقیب، پرونده به قضات تحقیق (دادیار یا بازپرس) ارجاع می‌شود تا پس از بررسی‌های لازم، نظر خود را اعلام کنند. معمولاً هر شکایتی که به دست دادستان می‌رسد، مورد تعقیب قرار می‌گیرد و اذن تعقیب صادر می‌شود. در رویه قضائی، کمتر دیده می‌شود که مقام تعقیب در ابتدا، شواهد و قرائن موجود در پرونده را با دقت بررسی کرده و سپس وضعیت ایراد اتهام را ارزیابی کند. به‌طور کلی، اکثر شکایات کیفری واصل‌شده، به‌طور رسمی با ایراد اتهام و سپس تعقیب کیفری مواجه می‌شوند.

این وضعیت در حالی است که ممکن است در بررسی اولیه، پرونده فاقد دلایل کافی باشد، که در این صورت عدم ایراد اتهام توجیه‌پذیر می‌شود. یکی از ایرادات اساسی که به محض ایراد اتهام ممکن است پیش آید، تغییر وضعیت شخص فراخوانده به دستگاه عدالت کیفری به عنوان متهم است، بدون ارائه دلایل موجه برای ایراد اتهام. در این حالت، ممکن است محدودیت‌هایی برای فرد اعمال شود. مهم‌ترین محدودیتی که برای فرد پس از مرحله ایراد اتهام به عنوان متهم در نظر گرفته می‌شود، صدور قرارهای تأمین کیفری است (عمرانی فر و شیدائیان، ۱۴۰۳: ۶۰). در واقع مقام قضایی وظیفه دارد بعد از ایراد اتهام و سپس در ادامه تفهیم اتهام؛ به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تضمین حقوق بزه دیده تضمین مناسبی در نظر بگیرد و احتمال دارد که فرد به دلیل عدم ارائه تضمین مورد نظر، با وضعیت بازداشت موقت یا به طور مستقل ابتداً با قرار بازداشت موقت روبرو گردد. بدیهی است که شخصی که در

۱. نگاه کنید به ماده ۲۳۷ از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

۲. بازداشت موقت متهم در نظام‌های کیفری کشورهای مختلف در عمل پذیرفته شده و اجراء می‌گردد، ولی با توجه به اینکه آزادی متهم اصل و بازداشت او استثناء بر اصل و فرع بر آن تلقی شده است، کوشش بر این بوده است که دامنه آن هرچه محدودتر گردد و جز در موارد کاملاً ضروری و منطقی بدان مبادرت نشود. بازداشت باید

وضعیت بازداشت موقت قرار دارد، نمی‌تواند به‌طور مؤثر ادله موجود بر بی‌گناهی خود را به دستگاه عدالت کیفری ارائه دهد. در این وضعیت، فرصت جمع‌آوری قرائن و مدارک برای دفاع از خود از متهم سلب می‌شود، و این امر می‌تواند موجب شود که سرنوشت پرونده به دلیل عدم فرصت مناسب برای رفع اتهام به ضرر شخص بازداشت‌شده رقم بخورد. در حالی که اگر ادله و شواهد به‌دقت بررسی شود، جایگاه ایراد اتهام می‌تواند مورد بازنگری قرار گیرد و در صورت عدم اثبات بزهکاری فرد، از ایراد اتهام خودداری گردد.

بدتر از این وضعیت، زمانی است که قضات دادسرا به‌جای بررسی دقیق ادله و شواهد پرونده، به‌طور پیش‌فرض به آن از زاویه مجرمانه نگاه می‌کنند. به این معنا که اگر عنوان اتهامی دارای مجازات سنگین باشد، قرار تأمین کیفری شدیدتر صادر می‌شود و در مقابل، اگر عنوان اتهامی مجازات سبکتری داشته باشد، قرار تأمین ضعیف‌تری در نظر گرفته می‌شود. در حالی که می‌توان با بررسی دقیق شواهد موجود در پرونده، تصمیم‌گیری مناسبی در خصوص قرار تأمین کیفری گرفت. به عبارت دیگر، عنوان اتهامی به تنهایی نمی‌تواند توجیه‌گر نوع قرار تأمین باشد؛ بلکه تنها ادله و شواهد موجود در پرونده است که در کنار عنوان اتهام، باید در تصمیم‌گیری قضائی برای اخذ یا عدم اخذ قرار تأمین کیفری و تعیین نوع آن مد نظر قرار گیرد.

مرحله ایراد اتهام می‌تواند به‌عنوان یک ابزار حفاظتی برای متهم در مراحل ابتدایی پرونده عمل کند. در این مرحله، متهم از حق مشاوره حقوقی و دفاع از خود برخوردار است و این فرصتی برای او فراهم می‌آورد که با علم به وضعیت پرونده خود، در صورت وجود شواهد کافی، بتواند به‌طور مؤثر از خود دفاع کند. در نظام‌های کیفری که هنوز از سیستم تفتیشی تبعیت می‌کنند، مانند نظام حقوقی ایران، پیاده‌سازی چنین مرحله‌ای می‌تواند به ارتقای حقوق متهمان به عنوان یک اصل مترقی حقوق بشر از اعمال فشارهای اولیه و غیرضروری علیه افراد به‌ویژه

فقط در مواردی که قانون تعیین کرده با رعایت ترتیبات قانونی و به دستور مقام صلاحیت‌دار باشد تا توقیف قانونی تلقی شود. طبق تحقیق صورت گرفته در ۲۰۱۲ میلادی ده میلیون زندانی در مرحله اتهامی در زندان به سر می‌بردند. از این میزان ۴۰/۶ درصد زندانی‌ها مربوط به آسیا، ۳۶/۷ مربوط به آفریقا، ۲۷/۹ مربوط به کشور آمریکا و ۱۸/۸ درصد مربوط به اروپا بوده است که در واقع آسیا بیشترین نرخ بازداشت پیش از محاکمه را دارد. (Open society justice initiative, presumption of guilt: the global overuse of pretrial detention, (11 2014)

در مراحل ابتدایی دادرسی، که متهم ممکن است در شرایطی آسیب‌پذیر قرار داشته باشد جلوگیری کند (شیدائیان، ۱۴۰۰: ۹۱). مرحله ایراد اتهام، همان‌طور که در سیستم‌های حقوقی مانند انگلستان مطرح است، با حقوق بشر اسلامی نیز به‌عنوان فرصتی برای رفع اتهام، همسو است تا از حقوق خود دفاع کند. متهم در این مرحله باید از حق اجتناب و احتیاط در ایراد اتهام در فرض ادله ضعیف بر مبنی آیه شریفه: «أَجْتَنَّبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَكَأَنَّ تَجَسُّسُهُمْ...» برخوردار و قادر باشد تا با علم به وضعیت پرونده خود و در صورت وجود شواهد کافی، از خود دفاع کند. حقوق بشر اسلامی، در صورتی که فردی در مراحل اولیه دادرسی بدون احتیاط و توجه ادله اتهامی مورد تعقیب قرار گیرد، مغایر با اصول عدالت و کرامت انسانی (شخصیت شرعی هر شخص از حیث الزام و التزام مندرج در اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره) دانسته است. (محمودی کیا، ۱۴۰۰: ۱۵۰)

به زعم نویسنده در دستگاه عدالت کیفری مبتنی بر اصل دادرسی منصفانه، طرح شکایت کیفری اعم از شکایت شاکی خصوصی یا عمومی قرینه‌ای بر توجه اتهام به متهم یا مجوز ایراد اتهام نیست. مقوله فرصت‌دهی ایجاب می‌نماید تا مرحله ایراد اتهام به رسمیت شناخته شود با این توضیح که همان‌طور که اصل سرعت در مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی از اسباب مهم به شمار می‌رود منتها عجله بیش از حد در پروسه مذکور می‌تواند آثار منفی برای دستگاه عدالت و متهمین داشته باشد. بنابراین باید توجه داشت که وصول هر شکایت به معنی ایراد اتهام نیست^۱ و نیاز به ایجاد و به رسمیت شناختن مرحله‌ای تحت عنوان ایراد اتهام و شناخت بایسته‌های آن است.

۱ یکی از چالش‌های بزرگی که امروزه در دستگاه عدالت کیفری کشور ایران در مرحله دادرسی وجود دارد صدور قرار بازداشت موقت توسط دادستان است. واضح است که حالتی که مقامی کاملاً بی طرف در دعوی کیفری قرار بازداشت را صادر می‌کند با حالتی که یک طرف دعوی کیفری طرف دیگر را به موجب قراری بازداشت می‌کنند متفاوت است در حالت نخست چالش کمتری با تساوی سلاح وجود دارد ولی در حالت دوم چالش با این اصل بیشتر است و این اصل در این حالت تا حدود زیادی نقض می‌شود در ایران اصولاً صدور قرار بازداشت موقت بر عهده بازپرس است. دادستان نیز در مواردی می‌تواند قرار بازداشت موقت صادر کند. مطابق ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری در غیر جرائم مستوجب مجازات مقرر در ماده ۳۰۲ این قانون در صورت کمبود بازپرس دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیارات است که برای بازپرس تعیین شده است از این جمله این

نتیجه گیری

بعد از جمع‌بندی پژوهش و در مقام نتیجه‌گیری باید اذعان نمود؛ مرحله ایرادِ اتهام توانسته در حقوق انگلستان در مرحله دادرسی مؤثر ظاهر شده و موجب جلوگیری از ورود پرونده‌های غیرضروری، تقویت نیروی انسانی، درگیر نمودن توانِ کیفری با پرونده‌های جنایی مهم، کاهش آمار پرونده‌ها و ایجاد رسیدگی‌های مبتنی بر استانداردهای عدالت‌گرایی و همچنین در یک دیدگاه کلی، ارتقاء نظام دادرسی را فراهم نماید. در پاسخ به سؤال‌های پژوهش که در ابتدا مطرح گردید؛ بایسته‌های ایرادِ اتهام در حقوق انگلستان شامل: دروازه عدالتِ کیفری؛ تحکیم اصلِ براءت؛ بالابردن ضریبِ رسیدگیِ منصفانه؛ کشف حقیقت در وادی ایرادِ اتهام؛ تعدیلِ پارادایم اطلاق‌گرایانه حقوقِ کیفری و فرصت‌دهی برای عدم ورود به پروسه کیفری می‌باشد. در پاسخ به سؤال بعدی باید اذعان نمود تأسیس مرحله ایرادِ اتهام در حقوق ایران امکان‌پذیر است و علاوه بر همسو بودن با مبانی حقوق بشر اسلامی می‌تواند موجب پالایش ورودی فرایند کیفری در راستای اعتلای سیستم دادرسی گردد لکن در ابتدا نیازمند چرخش نظام حقوقی در مرحله دادرسی به سمتِ اتهامی است تا بتوان مرحله ایرادِ اتهام را به خوبی پیاده‌سازی و سپس با بهره‌گیری از نظریه‌های به کار گرفته شده و اصول حاکم بر مرحله ایرادِ اتهام در حقوق انگلستان، در پی تأسیس نهاد مذکور برآمد. در نهایت پیشنهاد می‌گردد؛ قانون‌گذار ایران با توجه به دستاوردهای مؤثر و مهم مرحله ایرادِ اتهام در حقوق انگلستان با بازبینی در مقررات دادرسی کیفری، درصدد تأسیس مرحله ایرادِ اتهام در ابتدای فرایند و پیش از آغاز تعقیب کیفری در راستای نیل به اهداف صدرالذکر برآید.

وظایف و اختیارات می‌تواند به صدور قرارهای تامین کیفری از جمله بازداشت موقت اشاره کرد. از آنجا که داستان مطابق ماده ۱۱ آن قانون طرف دعوای کیفری است، بازداشت طرف دیگر دعوای کیفری توسط دادستان با دادرسی منصفانه و اصل تساوی سلاح‌ها در تعارض است.

فهرست منابع

- اکبری، عباسعلی و همکاران (۱۳۹۶). مفهوم و مبانی عدول از اصل براءت. مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۸ (۱۴)، ۱-۲۹.
- حاجی‌ده‌آبادی و همکاران، محمد علی، (۱۳۹۶). موقعیت داشتن تعقیب در نظام ایران کیفری، مجله حقوق تطبیقی، ۲ (۱۳)، ۶۵-۹۲.
- خالقی، علی، (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ پنجم، تهران؛ انتشارات شهر دانش.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه، چاپ پنجم، جلد دوازدهم، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران
- شاهیپوری، ته‌مینه و بشیریه، ته‌مورث، (۱۳۹۸). رویکرد نظام تقنینی دادرسی کیفری نوین ایران مبتنی بر نظریه برچسب زنی. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۲۲ (۸۷)، ۲۷۵-۳۰۲.
- شیداییان، مهدی، طویلی، مهدی. (۱۴۰۰). تحلیل نسبت مصلحت‌سنجی تعقیب کیفری با نظم عمومی و امنیت اجتماعی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۰ (۱)، ۷۹-۱۱۶.
- عالی‌پور، حسن (۱۳۸۸). امنیت ملی و حقوق متهم؛ مطالعه تطبیقی آیین دادرسی در قبال اقدامات تروریستی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲ (۴۳)، ۴۴-۵۰.
- عمرانی‌فر، عدنان و شیداییان، مهدی (۱۴۰۳). ایراد اتهام به افراد؛ علل و پیامدها از منظر مبانی قرآنی و روایی، فصلنامه مطالعات قرآنی جیرفت، ۴ (۵۶)، ۵۲-۷۶.
- عمرانی‌فر، عدنان، شیداییان آرانی، مهدی و عالی‌پور، حسن. (۱۴۰۳). شاخصه‌های «ایراد اتهام» در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی‌ژرمنی با نگاهی به حقوق ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۸۸ (۱۲۶)، ۲۷۲-۲۴۹.
- عمرانی‌فر، عدنان، شیداییان، مهدی و میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۹). جایگاه شعبه مقدماتی در دیوان بین‌الملل کیفری و امکان‌سنجی پیش‌بینی آن در حقوق ایران. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۴ (۲)، ۱۷۹-۱۶۲.
- عمرانی‌فر، عدنان و همکاران (۱۴۰۰). واکاوی تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و حرم مکّه با رویکرد انتقادی. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۵ (۲)، ۱۸۱-۱۹۹.
- عمرانی‌فر، عدنان (۱۴۰۲). ایراد اتهام؛ مبانی و چالش‌ها، رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.

گلدو ست جویباری، رجب و عباسی، سجاده، (۱۳۹۳). تعویق تعقیب در دیوان بین‌الملل کیفری، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، ۷ (۲۳) ۱۰۷-۱۲۹.

معین، محمد، (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین، چاپ سوم، تهران: انتشارات فرهنگ نما.

محمودی کیا، محمد. (۱۴۰۰). بررسی مقایسه‌ای تعارضات هنجاری و گفتمانی نظام حقوق بشری اسلامی با نظام حقوق بشر اروپایی. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۰ (۴)، ۱۴۳-۱۶۳.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید. (۱۳۹۰) دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش

- Ambos, Kai. (2003). International criminal procedure, adversarial, inquisitorial or mixed?; *International Criminal Law Review*, vol 3
- Bindler, A. and Hjalmarsson, R. (2021). The impact of the first professional police forces on crime. *Journal of the European Economic Association*, 19(6), 94-138.
- Brown, A. (1998), *Police Governance in England and Wales*. First published. Great Britain: Cavendish Publishing Limited.
- Burbank, Stephen B. (2003), What do we meant by Judicial Independence, *Ohio State Law Journal*, vol. 6.
- Cantemir, dimitrie, (2013), Perception of civil society on mediation in criminal. *Procedia social and Behavioral sciences*, Christian university.
- Choo, A, (2013), *England and Wales: Fair Trial Analysis and the Presumed Admissibility of physical Evidence*, springer science
- Cushing, Karen (2014), *Diversion from Prosecution for Young People in England and Wales: Reconsidering the Mandatory Admission Criteria*” *Youth Justice*, Vol.14.
- Defranica, Cristian (2009), Due Process in international criminal courts, why procedure matters? *Virginia law Review*, Vol. 87.
- Hacking, I. (2010). ‘Degeneracy, criminal behavior, and looping’, in D. Wasserman & R. S. Wachbroit (eds), *Genetics and Criminal Behavior*. New York: Cambridge University Press, pp. 141-68.
- Jasch, Michael (2010). *Police And Prosecutions: Vanishing Differences Between Practices In England And Germany*, Public Law, The Law Faculty Of The University Frankfurt (Main), Institute of Criminal Justice.
- Jorg, N; Field, S & Brants, C. (2012). Are Inquisitorial and Adversarial systems converging? In Fennell, P et al . (eds). *Criminal Justice in Europe: A Comparative Study*, Oxford, Clarendon Press

- McCannon, B. C., & Porreca, Z. (2023). The right to counsel: Criminal prosecution in 19th century London. *The Journal of Legal History*, 92(365), 285–321.
- Merrills, John, (1990). 'The Development of International Law by the European Court of Human Rights', *Penn State International Law Review*, Vol. 8, No. 3.
- Miraglia, M. (2008), Admissibility of Evidence, Standard of Proof, and Nature of the Decision in the ICC Confirmation of Charges in Lubanga, *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 6.
- Nkolo, C. (2023). Crimes Against Humanity in Nigeria: A Case of the Activities of Boko Haram/Islamic State in West African Province. *Journal of International Criminal Law*, 4(2), 82-97.
- Pavlich, George. (2018). 'The violent rhetoric of accusation: Cicero and the Marcus Ameleus Scaurus case'. In Joshua Nichols and Amy Swiffen (eds), *Legal Violence and the Limits of the Law*. Abingdon: Routledge, 30–49
- Phillips, C. and Brown, D. (2002), Entry into the criminal justice system: A survey of police arrests and their outcomes, home office research study 185. London, Home Office and Home office.
- Safferling, Christoph J.M (2001). *Towards an international criminal procedure*, Oxford university Press.
- Waddington, P.A.J. (2000). *Policing Citizens Authority and Rights* First published, London: UCL Press Limited.
- White, Stuart (2015), Zalta, Edward N. (ed.), "Social Minimum", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2015 ed.), Metaphysics Research Lab, Stanford University, retrieved 2015-10-03
- Worral, John L. (2008). *Prosecution in America*, Albany (USA). state university of New York press
- Wyngaert. Van. Den. (2010). *Criminal Procedure Systems in the European Community*, Van Den Wyngaert, Butterworths, London, Brussels, Dublin, Edinburgh.